

بررسی کمیت و کیفیت و تأثیر انواع مواد منعقدکننده بر روی فاضلاب کارخانه کبریت‌سازی تبریز در سال ۱۳۷۸.

دکتر محمد باقر میران زاده^۱، دکتر امیرحسین محوی^۲

چکیده

سابقه و هدف: با توجه به نگرانی‌های موجود در مورد کمیت و کیفیت فاضلابهای صنعتی و عوارض شناخته شده آن بر روی انسان و محیط زیست و نیز وجود مواد آلاینده متفاوت در این فاضلاب و عدم اطلاع از وضعیت پارامترهای آن و نیز تأثیر انواع مواد منعقدکننده، این تحقیق بر روی فاضلاب کارخانه کبریت‌سازی تبریز در سال ۱۳۷۸ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: تحقیق در دو مرحله انجام گرفت که مرحله اول آن به روش توصیفی برای تعیین کمیت و کیفیت فاضلاب و مرحله دوم به روش تجربی برای تعیین تأثیر مداخله مواد منعقدکننده بود. نمونه‌برداری فاضلاب به منظور سنجش پارامترها در سه نوبت به فواصل هفتگی و در هر نوبت به صورت روزانه از ساعت ۸ صبح امروز تا ۸ صبح روز بعد در فواصل زمانی یک ساعته انجام شد. بر روی فاضلاب پارامترهای pH، مقدار اکسیژن مورد نیاز واکنش‌های شیمیایی (COD)، مقدار اکسیژن مورد نیاز واکنش‌های بیولوژیکی (BOD)، فسفر، ازت، کل جامدات و جامدات معلق مورد سنجش قرار گرفت. در مرحله دوم تأثیر کلروفریک، سولفات آهن، سولفات آلومینیوم و آهک بر زدایش COD تعیین گردید.

یافته‌ها: این تحقیق بر روی ۱۲ نمونه مرکب انجام گرفت و مشخص گردید که در فاضلاب این کارخانه حداکثر غلظت پارامترهای COD، BOD و کل جامدات به ترتیب ۱۰۹۰۶، ۱۲۰ و ۶۹۵۶۲ میلی‌گرم در لیتر است. بهترین نوع ماده منعقدکننده برای تصفیه این فاضلاب کلروفریک در غلظت ۱۰۰ میلی‌گرم در لیتر بود که COD را از غلظت 117 ± 7560 به 95 ± 646 میلی‌گرم در لیتر کاهش داد.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها: فاضلاب این کارخانه بسیار آلوده بوده و بخش عمده آلودگی‌های آن را مواد آلی غیرقابل تجزیه بیولوژیکی تشکیل می‌دهد که این نوع آلودگی‌ها با شاخص COD بیان می‌شود با توجه به بالا بودن غلظت COD استفاده از روش بیولوژیکی برای تصفیه آن توصیه نمی‌شود و روش پیشنهادی برای تصفیه آن استفاده از فرآیند انعقاد شیمیایی از طریق کاربرد کلروفریک است.

واژگان کلیدی: محیط زیست، ماده منعقدکننده، کلروفریک، فرآیند انعقاد

۱- دانشگده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان

۲- دانشگده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه

یکی از نگرانی‌های جوامع امروزی مسئله کمیت و کیفیت فاضلابهای صنعتی است (۱) و باتوجه به توسعه جوامع و پیشرفت زمان و توسعه بخش صنعت میزان تولید فاضلابهای صنعتی نیز رو به افزایش است (۲). وجود مواد آلاینده مختلف شیمیایی در این فاضلاب‌ها و تخلیه آنها به صورت خام و تصفیه نشده به محیط زیست خطر جدی برای انسان و سایر موجودات به حساب آمده و سبب آلودگی منابع آب، خاک و محصولات کشاورزی شده و در نهایت، انسان از طریق زنجیره غذایی در معرض خطر قرار می‌گیرد. عوارض ورود مواد آلاینده شیمیایی به چرخه غذایی انسان احتمال بروز صدمات کلیوی، گوارشی، استخوانی، خونی، اختلالات هورمونی و تولید مثلی را به همراه خواهد داشت (۳ و ۴).

فعلا اقدام جامع و کاملی برای تصفیه فاضلاب همه کارخانجات به عمل نمی‌آید بلکه بر حسب مورد و باتوجه به مقررات زیست محیطی و بهداشت محیط و براساس تقاضای صاحبان صنایع به ویژه صناعی که از نظر زیست محیطی بسیار آلوده کننده هستند، کمیت و کیفیت فاضلاب هر واحد صنعتی بررسی می‌شود و به منظور زدایش آلودگی‌های آن روش‌هایی ارائه می‌شود که نتیجه آن تولید پساب دارای کیفیت سالم بوده و قابلیت استفاده مجدد برای مصارف کشاورزی و تخلیه به رودخانه‌ها را دارا می‌باشد (۵).

در هر واحد صنعتی کمیت و کیفیت فاضلابهای تولیدی آن تحت تأثیر ساختار کارخانه و فرآیند تولید و نوع مواد اولیه مصرفی آن است. مراحل تولید فاضلاب در صنایع شامل مراحل تولید،

عمل‌آوری، فرآیند، رنگریزی، چاپ، شستشو و آب خنک‌کننده است (۵ و ۶).

یکی از کارخانجات مطروحه کارخانه کبریت‌سازی تبریز است که بیش از ۵۰ سال از بهره‌برداری آن می‌گذرد و کمیت و کیفیت فاضلاب آن تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا به منظور بررسی مشخصات کمی و کیفی فاضلاب این کارخانه و تعیین تأثیر انواع مواد منعقدکننده و یافتن موثرترین منعقدکننده^۱ COD به عنوان مهمترین شاخص فاضلاب، این تحقیق در سال ۱۳۷۸ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها

تحقیق در دو مرحله انجام شد. مرحله اول تعیین دبی و مشخصات فاضلاب خام به روش توصیفی و مرحله دوم تعیین تأثیر مواد منعقدکننده بر روی زدایش COD به روش تجربی بود. منابع تولید کننده فاضلاب در کارخانه کبریت‌سازی شامل واحد تولید سرکبریت، واحد تولید بغل کبریت و واحد بی‌خطر سازی و فاضلاب انسانی است. سه فاضلاب تولیدی در سه ردیف اول جزو فاضلاب صنعتی و گروه چهارم جزو فاضلاب انسانی است. کمیت فاضلاب تولیدی از طریق محاسبه احجام ظروف شستشو و تعداد دفعات تخلیه آنها در روز و مقدار فاضلاب انسانی نیز براساس تعداد پرسنل و سرانه تولید فاضلاب برای هر نفر محاسبه گردید.

در سه نوبت به فواصل یک هفته و در هر نوبت از ساعت ۸ صبح امروز لغایت ۸ صبح روز بعد به فواصل یک ساعت نمونه‌برداری از سه واحد تولید کننده فاضلاب شامل واحد سرکبریت، بغل کبریت و واحد بی‌خطر کردن انجام گرفت. در طول یک روز

اندازه‌گیری شد (۶). سپس راندمان زدایش COD از طریق فرمول $\{COD1 / COD1\} \times 100$ (E= COD2) به صورت درصد محاسبه گردید. تأثیر ماده منعقدکننده بر میزان COD با آزمون Paired test مورد قضاوت آماری قرار گرفت.

یافته‌ها

بیشترین میزان تولید فاضلاب مربوط به واحد سرکبریت به میزان ۲۰-۵ متر مکعب در روز بود. مقدار تولید فاضلاب صنعتی به ازاء یکصد قوطی کبریت برابر ۵-۱ لیتر بود.

در این کارخانه مقدار تولید فاضلاب انسانی برابر ۴۰-۱۰ مترمکعب در روز بود. غلظت پارامترهای آلوده‌کننده فاضلاب برحسب واحدهای تولیدکننده در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است و نشان می‌دهد که بیشترین غلظت COD مربوط به واحد بی‌خطرسازی به میزان ۱۰۹۰۶ میلی‌گرم در لیتر و حداقل آن مربوط به واحد بغل کبریت به میزان ۵۲۲۳ میلی‌گرم در لیتر اندازه‌گیری گردید.

از نظر غلظت BOD نیز حداکثر غلظت آن مربوط به واحد سرکبریت ۱ به میزان ۱۲۰ میلی‌گرم در لیتر و حداقل آن در بقیه واحدهای تولیدکننده فاضلاب و بدون هیچ‌گونه BOD بوده است.

و در طول سه شیفت کاری به فواصل زمانی یک ساعت از هر واحد تولیدکننده فاضلاب نمونه‌برداری ساده به عمل آمد و در نهایت نمونه‌های ساده با هم مخلوط گردید و یک نمونه مرکب که بیانگر تغییرات در طول شبانه‌روز بود حاصل گردید. هریک از نمونه‌های مرکب پس از جمع‌آوری به آزمایشگاه منتقل و مورد آنالیز قرار گرفت.

پارامترهای اندازه‌گیری شده شامل pH، COD،^۱ BOD، ازت آمونیاکی، ازت آلی، فسفر، کل جامدات، جامدات معلق و جامدات قابل ته‌نشینی براساس دستورالعمل ارائه شده در آخرین چاپ کتاب استاندارد متد بود (۶). COD از نظر تعریف عبارت است از مقدار اکسیژن لازم برای تجزیه مواد آلی موجود در فاضلاب از طریق واکنش‌های شیمیایی و با استفاده از ماده اکسیدکننده بی‌کرومات پتاسیم BOD عبارت است از مقدار اکسیژن لازم برای تجزیه مواد آلی موجود در فاضلاب از طریق واکنش‌های بیولوژیکی و توسط میکروارگانیسم‌ها (۱ و ۲ و ۸ و ۹).

مرحله دوم تحقیق از طریق آزمایش جار تست (Jar test) به منظور تعیین بهترین نوع و غلظت ماده منعقدکننده از بین ترکیبات سولفات آهن، کلرور فریک، سولفات آلومینیوم و آهک انجام گرفت. در این آزمایش فاضلاب خام درظروف یک لیتری مجهز به همزن ریخته شد و سپس به آن مواد منعقدکننده اضافه گردید. غلظت COD قبل و بعد از افزایش هر یک از مواد منعقدکننده به فاضلاب

^۱ - Biochemical Oxygen Demand

غلظت جامدات کل تفاوت قابل ملاحظه ای با فاضلاب‌های شهری داشت به طوری که حتی استفاده از پساب این فاضلاب بدون رقیق‌سازی برای آبیاری بعضی از گیاهان حساس به شوری مناسب نخواهد بود (۹-۷، ۱۲).

در بررسی تأثیر مواد منعقدکننده مختلف بر زدایش COD مشخص شده که کارایی آهک، سولفات آهن، سولفات آلومینیوم و کلروفریک به ترتیب ۵۷/۶، ۷۶/۸، ۷۰/۳ و ۹۱/۴ درصد است کلروفریک غلظت COD را از ۷۵۶۰ به ۶۴۶ میلی گرم در لیتر کاهش داد. غلظت کلروفریک مورد نیاز برای تصفیه ۱۰۰ میلی گرم در لیتر بود.

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری نمود که فاضلابهای صنعتی و انسانی این کارخانه را باید جداگانه جمع‌آوری نمود. در مرحله اول فاضلاب صنعتی را از طریق فرایند انعقاد شیمیایی با کلروفریک تصفیه کرد تا بیش از ۹۰ درصد آلودگی‌های آن کاهش یابد و سپس پساب خروجی از واحد تصفیه با انعقاد شیمیایی را با فاضلابهای انسانی مخلوط کرده و از طریق یکی از فرایندهای بیولوژیکی نظیر فرایند لجن فعال تصفیه تکمیلی کرد و سپس از پساب آن برای مصارف کشاورزی استفاده کرد (۸، ۹).

قابل تجزیه بیولوژیکی بسیار پائین است به طوری که چنین فاضلابی قابل تصفیه بیولوژیکی نخواهد بود (۹، ۸).

یکی از پارامترهای مهم شاخص اندازه‌گیری شدت آلودگی فاضلاب صنایع کبریت‌سازی، میزان COD می‌باشد که در مورد فاضلاب این کارخانه غلظت COD در واحد بی‌خطر سازی ۱۰۹۰۶ و در واحد بغل کبریت ۵۲۲۳ میلی گرم در لیتر بود. این مقادیر نشان می‌دهد که چنین فاضلابی محتوی مقدار زیادی مواد آلی غیر قابل تجزیه بیولوژیکی است و برای تصفیه این مواد آلی از فرایندهای بیولوژیکی نمی‌توان استفاده نمود (۹ و ۱۰).

غلظت آمونیاک در فاضلاب واحد بی‌خطر سازی بسیار بالا بود که حتی به ۷۱۰۵ میلی گرم در لیتر می‌رسید که این میزان بسیار بیشتر از فاضلابهای شهری است و تخلیه آن به آب رودخانه‌ها برای حیات آبزیان می‌تواند بسیار مخاطره‌آمیز باشد (۴، ۳).

غلظت فسفر کارخانه بین ۲۲۱-۸/۶ میلی گرم در لیتر بود و بیشترین میزان آن مربوط به واحد سر کبریت ۱ بود. که مشابه فاضلابهای شهری است. تخلیه چنین فاضلابی بدون تصفیه می‌تواند سبب بروز پدیده پیری زودرس در آبهای سطحی شود (۸، ۹).

REFERENCES

1. Echenfelder W. Industrial Water Pollution Control. 2nd ed, MC Graw Hill, New York, 1991.
2. Mc Ghee TJ. Water Supply and Sewerage. 6th ed, Mc Graw Hill, New York, 1991.
3. Gabriel B. Wastewater Microbiology. John Wiley & Sons Publication, USA, 1999.
4. Patterson JW. Industrial Wastewater Treatment Technology. 2nd ed, Butter Worth publication, USA, 1985.
5. Chayton GD. Industrial Hygiene and Toxicology. 3rd ed, John Wiley & Sons, New York, 1981.
6. APHA, AWWA, WPCF, Standard methods for the examination of water and wastewater. 19th ed, Washington DC, USA, 1995.
7. Kirk Othmer. Encyclopedia of Chemical Technology. 3rd ed, vol 15, John Wiley & Sons, New York, 1981.
8. Tchobanoglous D. Wastewater Engineering: Treatment, Disposal and Reuse. MC Graw Hill, New York, 1991.
9. Howards. S. Environmental Engineering. Mc Graw Hill International publication, USA, 1985.